

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

جان پیلجر\*  
برگردان: علی اورنگ  
ویراستاری و ارسال: علی مشرف  
۲۴ نومبر ۲۰۲۳

## ما سپارتاکوس هستیم



سپارتاکوس فلم ۱۹۶۶ هالیوود بر اساس کتاب هاوارد فاست بود که مخفیانه نوشته شده بود و در لیست سیاه قرار داشت. دالتون ترومبو، با الهام گرفتن از این کتاب فلمنامه اسپارتاکوس را نوشت، او یکی از ده نفری در هالیوود بود که به خاطر سیاست های «ضد امریکائی» ممنوع شده بود. سپارتاکوس تمثیلی از مقاومت و شجاعت است که علناً با زمان ما صحبت می کند.

هر دو نویسنده کمونیست بودند و قربانیان فعالیت های ضد امریکائی مجلس تحت کنترل سناتور جوزف مک کارتی، که در خلال جنگ سرد، شغل و غالباً زندگی آنهایی را که پایبند به اصول بوده و شهادت این را داشتند که در مقابل فاشیسم بومی مقاومت کنند، نابود کرد.

آرتور میلر در کتاب بوته آزمایش نوشت: «این زمانش است، دقیقاً در این لحظه – ما دیگر در بعد از ظهر تیره و تار زندگی نمی کنیم، که شر خود را با خیر درهم آمیخته و جهان را سردرگم کند».

"دقیقا" در این لحظه یک پرووکاتور (تحریک کننده) وجود دارد؛ و برای کسانی که می خواهند آن را ببینند و اعمالش را پیشگویی کنند معلوم است. این پرووکاتور گروهی از کشورهای تحت رهبری امریکا هستند که هدف اعلام شده شان "تسلط کامل بر میدان" است. روسیه را هنوز کشوری منفور و چین سرخ را کشوری ترسناک می بینند. واشنگتن و لندن مرزی برای خصومت خود قائل نیستند. اسرائیل، آنارونیسم استعماری و مثل نگهبان مهاجمی که رها شده باشد، تا دندان مسلح شده است و مصونیت تاریخی دارد تا که "ما" یعنی غرب مطمئن باشیم که اشک و خون هرگز در فلسطین متوقف نشود. اعضای پارلمان انگلستان که شهامت این را داشتند که خواستار آتش بس در غزه باشند طرد شدند و درهای آهنین سیاست های دو حزب کشور به وسیله رهبر حزب کارگری به روی آنها بسته شد که آب و غذا را از کودکان فلسطین محروم کرده است.

در زمان مک کارتی، مفر هائی برای درستی و صداقت وجود داشت. مخالفانی که در آن زمان در برخی از محافل مورد استقبال قرار می گرفتند حالا مرتد به حساب می آیند؛ البته روزنامه نگاری زیرزمینی (مثل این سایت) هم وجود دارد که در فضائی از همنائی کاذب در رسانه های جریان اصلی فعالیت می کند. روزنامه نگاران مخالف از "جریان اصلی" برکنار شده اند (همانطور که سردبیر معتبر دیوید بومن نوشت)؛ کار رسانه های اصلی این است که حقیقت را وارونه جلوه بدهند و از توهمات دموکراسی، شامل "مطبوعات آزاد"، حمایت کنند.

ضخامت سوسیال دموکراسی (یعنی عدالت اجتماعی در کنار سرمایه داری) که به اندازه ضخامت یک کاغذ سیگار تقلیل یافته است سیاست های احزاب عمده را از هم تفکیک می کند. همه آنها اشتراکشان به یک فرقه از سرمایه داری است، نتولیرالیسم، و فقر تحمیلی، که گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد آن را به عنوان "به فقر کشاندن بخش عمده مردم انگلستان" توصیف کرده است.

امروز، جنگ مثل سایه ای بی حرکت است؛ جنگ های "دائمی" امپراتوری عادی سازی شده است. عراق، به عنوان یک مدل، با از دست دادن جان یک میلیون نفر و بی خانمان شدن سه میلیون نفر نابود شده است. تونی بلر ویرانگر خود را ثروتمند کرده است و در کنفرانس حزب از او به عنوان برنده انتخابات مداحی شده است. بلر و نقطه مقابل اخلاقی او، جولیان آسانژ، فقط ۲۰ کیلومتر جدا از او، یکی در کاخ ریجنسی زندگی می کند، دیگری در زندان انفرادی در انتظار استرداد به جهنم است.

بر طبق مطالعات دانشگاه براون، از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، تقریباً ۶ میلیون مرد، زن و کودک به وسیله امریکا و دستیارانش در "جنگ جهانی بر علیه ترور" کشته شده اند. یک بنای یادبود در واشنگتن در "تجلیل" از این کشتار دسته جمعی ساخته خواهد شد؛ ریاست کمیته آن را رئیس جمهور سابق امریکا، جرج دبلیو بوش (مربی بلر)، به عهده دارد. در افغانستان، جایی که جنگ علیه ترور شروع شد، بالاخره رئیس جمهور بایدن با دزدیدن ذخایر بانکی اش ضربه ویرانگر نهائی را به آن وارد کرد.

افغانستان های بسیاری وجود دارند. جرم شناسی ویلیام بلوم خود را وقف مطالعه درباره تروریسم دولتی کرد که به ندرت اسمش مطرح می شود و بنابراین نیاز به تکرار دارد:

در طول عمر من، امریکا بیش از ۵۰ دولت را، عمدتاً دولت های دموکراسی، سرنگون (و یا تلاش برای سرنگونی آنها) کرده است. در انتخابات دموکراتیک ۳۰ کشور دخالت کرده است. روی مردم ۳۰ کشور بمب انداخته است، که اکثر آنها فقیر و بی دفاع بوده اند. برای سرکوب جنبش های آزادی بخش ۲۰ کشور جنگیده است. سعی کرده است که تعداد بیشماری از رهبران کشورها را به قتل برساند.

شاید بعضی از شما بگویند: بس است. در شرایطی که راه "حل نهائی" غزه به طور زنده برای میلیون ها نفر پخش می شود، چهره کوچک قربانیان در آوارهای بمباران شده حک شده است و مابین آگهی های تجارتي برای ماشین و پیتزا روی صفحه تلویزیون ما ظاهر می شوند، بله یقیناً بس است. چقدر این کلمه "بس" توهین آمیز است؟ افغانستان جایی بود که غرب مردان جوان خود را با بار سنگین آئین "سلحشوری" بر دوششان فرستاد تا مردم را بکشند و لذت ببرند. از شواهد و مدارک هنگ خدمات هوایی ویژه استرالیا ما می دانیم که برخی از آنها از آن لذت بردند، که شامل عکسی بود از آنها در حال مشروب خوری در پای مصنوعی یک مرد افغان.

حتی یک نفر از آن جامعه ستیزها به خاطر آن تنبیه نشده اند و جنایاتی مثل آن مردی که با لگد از صخره پائین انداخته شد، شلیک مستقیم به کودکان، بریدن گلو و غیره: در شرایطی که هیچ کدام از آنها "در جبهه جنگ" اتفاق نیفتادند. دیوید مک براید، یک وکیل سابق ارتش استرالیا که دو بار در افغانستان خدمت کرد، "پیرو وفادار" به سیستمی بود که از دیدگاه او ارزش های اخلاقی و شرافتمندانه داشت. او همچنین یک اعتقاد خلل ناپذیر به صداقت و وفاداری دارد. او با مهارت خاصی می تواند آنها را توصیف کند. در ۱۳ نومبر او در دادگاه کانبرا به عنوان متهم به جنایت حضور پیدا می کند.

کرسون پندر، وکیل ارشد در مرکز حقوق بشر استرالیا گزارش می دهد که دیوید مک براید «یک افشاگر استرالیایی به خاطر افشای اطلاعاتی از خطاکاری وحشتناک محاکمه خواهد شد. عمیقاً غیر عادلانه است که اولین فردی که برای جنایتهای جنگی در افغانستان محاکمه می شود یک افشاگر است، نه یک متهم جنایت جنگی.»

مک براید به خاطر افشای جنایت بزرگ افغانستان می تواند به ۱۰۰ سال زندان محکوم شود. او خود را مشمول قانون حفاظت از افشاگران در استرالیا می داند، که دادستان کل استرالیا، مارک دریفوس، می گوید «این قانون وعده تحکیم حمایت از افشاگران بخش عمومی را به اجراء می گذارد». با این حال، دریفوس (یک وزیر حزب کارگر) است که محاکمه مک براید را تأیید کرد، بعد از چهار سال و هشت ماه انتظار تأدیبی از زمان دستگیری اش در فرودگاه سیدنی: انتظاری که به سلامتی و خانواده اش ضربه جدی وارد کرد.

آنهايي که ديويدي را مي شناسند و ظلم بزرگي که به او شده است خيابان محل زندگي او را در بوندي نزديک ساحل بحر در سیدنی پر کردند تا از این انسان شریف و محبوب حمایت کنند. برای آنها، و من، او یک قهرمان است.

مک براید به خاطر آنچه که در پرونده هائی که به او دستور داده شده بود رسیدگی کند پیدا و افشاء کرده بود مورد سرزنش قرار گرفت. او اسناد جنایات و مخفی کاری آنها را کشف کرده بود و صدها مدرک محرمانه را در اختیار شرکت پخش استرالیا (ABC) و سیدنی مورنینگ هرالذ گذاشت. پولیس به دفتر شرکت پخش استرالیا در سیدنی و سیدنی مورنینگ هرالذ حمله کرد، در حالی که خبرنگاران و تولید کنندگان با حیرت و هراس شاهد آن بودند.

دادستان کل کشور دریفوس، لیبرال اصلاح طلب و مدعی دوستی با افشاگران، قدرت منحصر به فرد برای جلوگیری از محاکمه مک براید را دارد. اطلاعاتی که از طریق قانون دسترسی آزاد به اطلاعات به دست آمده است نشان دهنده بی تفاوتی او به فروپاشی یک انسان بی گناه است.

فارغ از هر ادعائی، نمی توان همزمان دموکراسی تمام عیار و جنگ استعماری را مدیریت کرد: یکی در رویای محبوبیت و برازندگی، دیگری نوعی از فاشیسم. به کشتارهای جمعی غزه توجه کنید که رژیم آپارتاید اسرائیل آن را با خاک یکسان کرد. و تصادفی نیست که در انگلستان ثروتمند ولی فقیر شده در حال حاضر یک "بررسی" در رابطه به گلوله بستن ۸۰ شهروند افغانستان، همگی غیرنظامی، شامل یک زن و شوهر در رختخواب، به وسیله سرویس هوایی ویژه انگلستان در شرف تکوین است.

بی عدالتی باور نکردنی که به دیوید مک براید تحمیل شده است برداشتی از بی عدالتی در حق هموطن او، جولیان آسانژ می باشد. هر وقت که آنها را می بینم، خوش بین تر می شوم. "روحیه مرا را قوی می کنی،" به جولیان می گویم در حالی که او در پایان وقت دیدارمان مشت اعتراض را بالا می برد. "تو باعث غرور من می شوی،" در کافی شاپ مورد علاقه مان در سیدنی به دیوید می گویم. شهادت آنها به همه ما، که ممکن است ناامید شویم، اجازه داده است که معنای واقعی مقاومتی را که در آن سهیم هستیم درک کنیم البته اگر که می خواهیم وجدان و شأن انسانی خود را حفظ کنیم و اگر آزادی و نجابت را به تسلیم شدن و سازش ترجیح می دهیم. از آن حیث، ما همگی سپارتاکوس هستیم. سپارتاکوس رهبر سرکش برده های رم در ۷۳ - ۷۱ قبل از میلاد مسیح بود. یک لحظه هیجان انگیز در فلم کرک داگلاس در سپارتاکوس وجود داشت که رومیان از مردان سپارتاکوس خواستند که رهبرشان را شناسائی کنند تا بخشیده شوند. در مقابل آن درخواست صدها نفر از مردان سپارتاکوس برخاستند و مشت های خود را در همبستگی بالا برده و فریاد زدند، "من سپارتاکوس هستم!" شورش در پیش است. جولیان و دیوید سپارتاکوس هستند. فلسطینی ها سپارتاکوس هستند. مردمی که با پرچم ها و مبادی و اصول و همبستگی شان به خیابان ها ریخته اند سپارتاکوس هستند. ما همگی سپارتاکوس هستیم اگر که می خواهیم سپارتاکوس باشیم.

<https://www.counterpunch.org/2023/11/13/we-are-spartacus/> منبع

\*\*\*\*\*

\* - **جان پیلجر** دوبار برجسته ترین جایزه روزنامه نگاری را کسب کرده است و گزارشگر بین المللی سال، گزارشگر اخبار سال و نویسنده گزارشگر توصیفی سال بوده است. او ۶۱ فلم مستند ساخته است و جوایز امی Emmy، بی اف تی ا (BFTA) جامعه روپال تلویزیون و جایزه صلح سیدنی را دریافت کرده است. فلم "سال صفر: مرگ خاموش در کامبوج" به عنوان یکی از ده فلمنامه قرن بیست برگزیده شده است.